



سیاست خارجی روسیه در قبال ایران در دوره پوتین

پریسا حبیبی سورکی^۱، محمدباقر مکرمی پور^۲

چکیده

روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بازیگری است در ردیف قدرت‌های منطقه‌ای و رو به سمت قدرت جهانی شدن که شاهد تغییر در اولویت‌های راهبردی آن بوده‌ایم. جمهوری اسلامی ایران بعد از فروپاشی شوروی، جایگاه متمایزی در گفتمان سیاست خارجی روسیه دارد. روابط ایران و روسیه فارغ از ضرورت‌های ناشی از هم‌جواری جغرافیایی، سوابق تاریخی و نیازهای اقتصادی، به دلیل موقعیت ویژه‌ای که هر یک از دو کشور در عرصه سیاست بین‌الملل دارند، از سوی محافل بین‌المللی مورد توجه خاصی قرار داشته است. عوامل متعددی مانند ثروت‌های طبیعی عظیم موجود در دو کشور، نیروی انسانی، تأثیرات منطقه‌ای و عامل امریکا و غرب که همراه با بسیاری عوامل دیگر باعث شده تا روابط مسکو-تهران اهمیت ویژه‌ای به خود بگیرد. در دوران ریاست جمهوری پوتین به‌ویژه از سال ۲۰۱۲، ایران از اهمیت قابل توجهی در سیاست خارجی روسیه برخوردار شد و جهت‌گیری آن به سمت مشارکت راهبردی روسیه در منطقه خاورمیانه سوق پیدا کرد. در پرتو این رویکرد، روابط گسترده ایران و روسیه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی در سطح دو متحد استراتژیک ارتقا یافت. بنابراین پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای-اسنادی و نیز با هدف اصلی بررسی «سیاست خارجی روسیه در قبال ایران در دوره پوتین» به نگارش درآمده است. سؤال اصلی پژوهش این است که سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین در قبال ایران

۱- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

parisa.habibi87@gmail.com

۲- مدرس دانشگاه و دانشجوی دکتری علوم سیاسی/مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران



چگونه بوده است؟ نتایج و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین بر اساس منافع مشترک دو کشور استوار بوده و دو کشور با نگاه واقع‌بینانه در شرایط به وجود آمده به جایگاه یکدیگر می‌نگرند اما با وجود روابط نزدیک و راهبردی که ایران و روسیه دارند، روابط با آمریکا و اروپا، از مؤلفه‌های تأثیرگذار در روابط این دو کشور است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، روسیه، جمهوری اسلامی ایران، واقع‌گرایی کلاسیک،

برنامه هسته‌ای.

مقدمه

با فروپاشی اتحاد شوروی، تحولات مهمی در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران و روسیه رخ داد. این تغییرات، منجر به پیچیدگی‌های سیاسی و امنیتی در منطقه شده و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای را تشدید کرده است. همچنین، تحولات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ناشی از این تغییرات، به شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف در سیاست خارجی کرملین منجر شده است. هر یک از این گفتمان‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های متفاوتی را به دنبال داشته است. دو رویداد اساسی، یعنی انقلاب اسلامی و فروپاشی اتحاد شوروی، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه ایفا کرده‌اند. انقلاب اسلامی باعث بازنگری تاریخی در نگاه به دوستان و دشمنان انقلاب شد، و فروپاشی اتحاد شوروی نیز به‌عنوان یک بازیگر جدید با تغییر فرهنگی از مارکسیسم، تاریخ و هویت خود را بازنگری کرد. این تحولات باعث شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف در سیاست خارجی روسیه شده است که هر کدام تأثیرات متفاوتی داشته‌اند.

پرچمداری این گفتمان‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های روسیه نقش اساسی ایفا می‌کند. با توجه به محوریت هر یک از این گفتمان‌ها، روسیه سیاست‌های مختلفی را در نظام بین‌الملل اجرا کرده است. این تنوع در رویکردها منجر به نتایج و دستاوردهای گوناگونی گردیده است. در این زمینه، دو رویداد مهم باید به‌ویژه مورد توجه قرار گیرند. نخست، انقلاب اسلامی که تاریخ‌نگاری جدیدی را در دستور کار تحقیقات و آموزش در ایران ایجاد کرده است. دوم، فروپاشی اتحاد شوروی که با ظهور فدراسیون روسیه به‌عنوان یک بازیگر جدید، تحولات عمیقی

را در سیاست خارجی این کشور ایجاد کرده است. فرهنگ راهبردی روسیه با کم‌رنگ شدن ایدئولوژی مارکسیسم متغیر شده و عناصر غیرمادی مانند تاریخ، فرهنگ، هویت و ملی‌گرایی دوباره به تأکید درآمده‌اند.

در این سیاق، سیاست خارجی روسیه از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تا کنون تحولات زیادی را تجربه کرده است. ناکامی‌های آتلانتیکی در سیاست خارجی روسیه و ظهور ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰، سیاست‌های جدیدی را در پی داشته و ادبیات سیاست خارجی روسیه از آتلانتیک‌گرایی به اوراسیای‌گرایی تغییر یافته است. روابط ایران و روسیه نیز به دلیل عواملی چون هم‌جواری جغرافیایی، تاریخی، و اقتصادی به ویژه در زمینه ثروت‌های طبیعی (نفت و گاز)، نیروی انسانی، و توانایی‌های نظامی، از اهمیت خاصی برخوردار هستند. علاوه بر این، دو کشور تضادهای مشترکی با سیاست خارجی امریکا دارند و در مواجهه با این سیاست‌ها آمادگی دارند مخالفت کنند. با تشدید روابط روسیه با غرب، به‌ویژه در زمان بحران اوکراین از سال ۲۰۱۴، مسکو تلاش‌های خود را برای تقویت روابط با ایران افزایش داده است. این همکاری‌ها باعث شده تا روابط دو کشور به سطح استراتژیک برسد.

در این پژوهش، سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران در دوره پوتین مورد بررسی قرار می‌گیرد. که در مورد این مسئله تحقیقاتی صورت گرفته از جمله دکتر سید محسن صادقی (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان «سیاست خارجی روسیه در قبال ایران در دوره پوتین بعد از سال ۲۰۱۲»، فرهاد فولادی، محمد یوسفی جویباری و جعفر جمشیدی راد (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان «سیاست خارجی روسیه در قبال ایران از ۲۰۱۸-۲۰۱۲» انجام داده‌اند. پژوهش حاضر با توجه به تحقیقات گذشته و تأکید بر تحولات اخیر، به تحلیل سیاست‌ها و روابط دو کشور پرداخته و نقش این تحولات در تداوم و تغییر رویکردهای سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران را بررسی می‌نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

خروج مسکو از خاورمیانه در زمان میخائیل گورباچف، رئیس جمهور وقت، در آغاز جنگ اول خلیج فارس نشان دهنده افول وضعیت ابرقدرت اتحاد جماهیر شوروی بود. حضور مجدد



روسیه به عنوان یک بازیگر در خاورمیانه تحت ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، با هدف بازگرداندن موقعیت این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ خارج از اتحاد جماهیر شوروی سابق است. با شروع مداخله نظامی در سوریه در سال ۲۰۱۵، و تلاش دیپلماتیک آمریکا و روسیه که همراه آن بود، خاورمیانه به میدان آزمایشی کلیدی برای تلاش روسیه برای بازگشت به صحنه جهانی تبدیل شده است.

روابط روسیه با ایران همچنان پیچیده است. توشه‌ای از بی‌اعتمادی تاریخی، در درجه اول از سوی ایران نسبت به روسیه وجود دارد. از سوی دیگر، روسیه از مواضع ایران در برابر ایالات متحده حمایت می‌کند؛ اما با دیدگاه غرب در اصرار بر اینکه تهران برنامه هسته‌ای خود را بطور کامل صلح آمیز نگه دارد، موافق بوده و از تحریم‌های ایران در شورای امنیت سازمان ملل حمایت کرده است. روسیه سابقه روابط سازنده با ایران به ویژه در فضای پس از فروپاشی شوروی دارد، نه حزب الله و نه حماس را سازمان‌های تروریستی نمی‌داند و مسکو و تهران بالفعل متحدان در جنگ سوریه هستند. با این حال، ایدئولوژی حاکم بر ایران و برنامه منطقه‌ای آن که حول محور رقابت شیعه- سنی و ایران- سعودی ساخته شده است، عمدتاً برای مسکو بیگانه است. در طرف دیگر، اهداف مسکو و راه‌های دستیابی به آنها به طور کامل توسط تهران مشترک نیست. لذا با توجه به مطالب گفته شده، بررسی دقیق سیاست خارجی روسیه در قابل ایران به دلیل امکان پیش بینی دقیق رفتارهای احتمالی این کشور و اتخاذ جهت گیری‌های دقیق و مطابق با منافع ملی را برای ایران ضروری می‌سازد.

چهارچوب نظری؛ واقع‌گرایی کلاسیک

دیدگاه واقع‌گرایی کلاسیک^۱ نسبت به روابط بین‌الملل، به اعتقاد دولت‌محوری^۲ می‌پردازد که در آن دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی و مراکز قدرت در امور جهان محسوب می‌شوند (Sutch and Elias, 2007: 43) این نظریه تأکید دارد که نقش سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

Classical Realism – ۱

State-Centrism – ۲

در این ساختار، به عنوان عوامل ثانویه در مقایسه با دولت‌ها مطرح می‌شود و مسائل حقوقی و اقتصادی در اولویت بالای روابط بین دولتی قرار ندارند. بر اساس این دیدگاه، انگیزه اصلی دولت‌ها در تعامل با سایر کشورها، به مفهوم قدرت مرتبط است و تحقیق، حفظ یا نمایش قدرت، هدف اصلی سیاست خارجی را شکل می‌دهد. (Donnelly, 2000: 132)

نظریه واقع‌گرایی کلاسیک، نظام بین‌الملل را به عنوان یک نظام بدون اقتدار مرکزی و با نظم آنارشیک تصور می‌کند. در این نظر، دولت‌ها در یک محیط هابزیایی، جهانی یا نظامی هابزی، درگیر یک فرآیند جنگ همه‌به‌همه هستند و هیچ اقتدار مرکزی وجود ندارد. در این محیط، کشورها در رقابت برای اخذ قدرت قرار دارند. این رقابت برای دستیابی به قدرت، ناشی از طبیعت خودخواهانه انسان است و باعث می‌شود که مسائلی همچون تعقیب خواسته‌های فردی، به عنوان یک ضرورت غیرقابل‌انکار در روابط بین‌المللی شکل بگیرد. از این‌رو، نظریه واقع‌گرایی کلاسیک بیشتر تمرکز خود را بر روی دستیابی دولت‌ها به منافع خود متمرکز می‌کند و به ابزارهای دستیابی به این اهداف توجه ویژه‌ای می‌کند. همچنین به دلیل وجود تضاد منافع بین دولت‌ها، ایجاد شرایطی که تأمین منافع همگانی تمام دولت‌ها ممکن باشد، به عنوان کاری غیرممکن مطرح می‌شود. (Donnelly, 2000: 62)

در سنت فکری غرب، توسیدید، مورخ یونانی و نویسنده تاریخ جنگ‌های پلوپونزی، به عنوان یکی از نخستین اندیشمندانی شناخته می‌شود که افکار واقع‌گرایانه‌ای در زمینه سیاست جهانی ارائه کرده است. او به مسائلی همچون موضوع قدرت یا عدالت به عنوان «بنیان رفتارهای بین‌المللی» توجه کرده است. توسیدید در گفت‌وگوهای میان هواداران عدالت به عنوان اساس رفتار بین‌المللی و کسانی که قدرت را به عنوان کلید موفقیت در سیاست می‌پندارند، این مسئله را تشریح کرده و در جمله مشهوری از گفتگوی ملیان، که او آن را از زبان آتنی‌های قدرتمند در برابر ملیان‌های ضعیف نقل کرده، اصلی‌ترین اصول واقع‌گرایی را مطرح می‌نماید: «حق... فقط در میان برابرها مطرح است، حال آنکه اقویا آنچه را که می‌توانند انجام می‌دهند و ضعفا از آنچه می‌خواهند رنج خواهند برد». (مشیرزاده، ۱۳۹۹: ۷۵)



مورگنتا نیز به عنوان نمونه‌ای عالی از واقع گرایی کلاسیک شناخته می‌شود. او در نظریه‌اش، به نظر می‌رسد که از دیدگاه معرفت شناختی مدرن است، زیرا او باور دارد که شناخت امکان پذیر است، «قوانین عینی» کشف می‌شوند و واقعیت عینی وجود دارد. او به شناخت بر اساس خرد و تجربه نیز توجه می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۹۹: ۹۴). وی از این باور است که نظام بین الملل، یک نظام آنارشیک است که فاقد مرجع اقتدار مرکزی است و این امر آن را از جامعه داخلی متمایز می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۹۹: ۹۷). تامس هابز نیز، با بدبینی نسبت به ذات بشر، به امکان تغییر بنیادین رفتار انسان‌ها اعتقاد ندارد. او اخلاق را از سیاست جدا می‌کند و مانند ماکیاولی، معتقد است که «قبل از اینکه اسم عادل و ظالم جایی داشته باشند، باید نوعی قدرت قهری وجود داشته باشد». هابز روابط بین الملل را در «وضعیتی طبیعی» تلقی می‌کند که در آن «قانون جنگل» حاکم است (مشیرزاده، ۱۳۹۹: ۷۶).

سه رکن اساسی در آموزه‌های ماکیاولی، زیرساخت فلسفه واقع گرا را تشکیل می‌دهد: تاریخ به عنوان یک سلسله علت و معلولی که تحلیل و درک آن امکان پذیر است اما هدایت نمی‌شود؛ سیاست که از اخلاق جدا شده و اخلاق تابع سیاست است؛ و بدبینی نسبت به ذات بشر (مشیرزاده، ۱۳۹۹: ۷۷). با توجه به این مفاهیم، درک روسیه از نظام بین الملل و نقش ایران در سیاست خارجی این کشور در این چارچوب قابل بررسی است. به طور کلی، به نظر می‌رسد که روابط این دو کشور بر مبنای منافع ملی ایجاد شده و تا زمانی که این منافع تضمین شود، همکاری بین آنها ادامه خواهد یافت.

سیاست خارجی

اصطلاح سیاست خارجی^۱ به طرق مختلف توسط محققان تعریف شده است. با این حال، همه آنها معتقدند که سیاست خارجی مربوط به رفتار یک دولت نسبت به دولت‌های دیگر است. به طور کلی می‌توان گفت سیاست خارجی متشکل از سه بخش است: «هدف»، «روش» و «ابزار». هدف شامل چشم اندازی از یک نتیجه یا مجموعه‌ای از منافع در تعامل با دولت/بازایگر دیگر

است. روش شامل استراتژی^۱ها و ایده‌ها (مانند تاکتیک‌های دیپلماتیک، اجبار) برای تعقیب این منافع مورد نظر و ابزار شامل منابع^۲ موجود در اختیار یک دولت است (به عنوان مثال اقتصادی، نظامی). به عبارت دیگر می‌توان گفت سیاست خارجی چشم اندازی از یک نتیجه یا مجموعه‌ای از منافع مورد نظر در تعامل با دولت/بازیگر دیگر، استراتژی‌ها و ایده‌های مورد استفاده در دستیابی به این اهداف و منابع موجود در اختیار یک دولت برای هدایت تعامل آن با سایر دولت‌ها است.

ژئوپلیتیک

اصطلاح «ژئوپلیتیک»^۳ از پایان قرن نوزدهم مورد استفاده سیاستمداران قرار گرفته است. بنا بر نظر پیر بهار^۴ ژئوپلیتیک پژوه فرانسوی «ژئوپلیتیک چیزی نیست جز سیاستی که محدودیت‌های جغرافیایی آن را ضروری می‌کند.» ژئوپلیتیک به بررسی روابط بین فضای جغرافیایی و کنش‌های سیاسی می‌پردازد. ژئوپلیتیک یک علم نیست، بلکه یک فرآیند فکری است. یک موقعیت ژئوپلیتیکی را می‌توان با رقابت نیروها و روابط قدرت^۵ در یک فضای معین تعریف کرد. بنابراین تحلیل ژئوپلیتیک به کنترل یک فضای معین توسط قدرت مربوط می‌شود.

ایران

ایران در جنوب غربی قاره آسیا بین ۲۵-۴۰ درجه عرض شمالی و ۴۴-۶۳.۵ درجه طول شرقی واقع شده است. مساحت کل ایران حدود (۱۶۴۸۱۶۵) کیلومتر مربع معادل ۱.۲۷ درصد از مساحت کل زمین در جهان یا حدود ۳۴۲۷ درصد از مساحت قاره آسیا است، بنابراین مساحت جغرافیایی ایران به آن اهمیت سیاسی و اقتصادی در جهان و منطقه بخشیده است. ایران تمام مرز شمالی خود را با جمهوری‌های ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان (همه بخش‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق) مشترک است و از جنوب به خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند محدود است. خلیج فارس

1- Strategy

2- Resources

3- Geopolitics

4- Pierre Behar

5- Power Relations



بخش حاشیه‌ای کم عمق اقیانوس هند است. وسعت ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع از دلتای اروند رود تا تنگه هرمز آغاز می‌شود که آن را به دریای عمان متصل می‌کند.

ژئوپلیتیک ایران

ایران کشوری عظیم با هویت ملی و عزت نفس بالاست. جغرافیا در میل ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای نقش بسزایی دارد؛ زیرا در تقاطع استراتژیک بین جهان عرب، ترکیه، روسیه و هند واقع شده است. مناطق ژئوپلیتیک اطراف ایران به شرح زیر است:

۱- آسیای مرکزی، دریای خزر و قفقاز در شمال.

۲- شبه قاره هند و افغانستان در شرق.

۳- اقیانوس هند در جنوب شرقی.

۴- خلیج فارس و دریای عمان در جنوب.

۵- ترکیه و منطقه عرب در غرب.

با این وجود، ایران هرگز یک قدرت منطقه‌ای توسعه‌طلب نبوده است و سنت تهاجم به کشورهای همسایه را نداشته است.

روسیه

روسیه کشوری است که حدود ۱۸ برابر ایالات متحده وسعت دارد و منطقه وسیعی بین اروپا و اقیانوس آرام شمالی را اشغال کرده است. مساحت آن ۱۰,۶۷۲,۰۰۰ مایل مربع (۱۷,۰۷۵,۲۰۰ کیلومتر مربع) و تقریباً ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت دارد. در غرب کوه‌های اورال از دریای سیاه در جنوب تا اقیانوس منجمد شمالی دشتی وسیع با تپه‌های کم ارتفاع وجود دارد که هسته تاریخی ملت روسیه در آن قرار دارد. در شرق اورال از مرز قزاقستان، چین و مغولستان تا سواحل قطب شمال، سیبری قرار دارد. منطقه‌ای کم جمعیت که توسط جنگل‌های مخروطی، باتلاق‌ها و تندرا در شمال و زمین‌های کوهستانی در جنوب پوشیده شده است. اموقعیت جغرافیایی روسیه مانع مهمی برای توسعه است. آب و هوای خشک یا سرد و موقعیت دور از خطوط دریایی اصلی، سبب شده‌اند که بخش‌های بزرگی از کشور تقریباً بدون جمعیت و توسعه باشد. روسیه تنها ۸ درصد از زمین‌های قابل کشت را در اختیار دارد.

در سیاست خارجی مسکو، خاورمیانه به طور کلی پس از ایالات متحده، اروپا، چین و آسیا قرار دارد. کرملین دوباره روسیه را به عنوان یک قدرت بزرگ در مقیاس جهانی می بیند و به همین دلیل نمی تواند منطقه‌ای به این نزدیکی جغرافیایی، غنی از هیدروکربن‌ها و از نظر اجتماعی و سیاسی ناپایدار مانند خاورمیانه را نادیده بگیرد.

جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه

عوامل مختلفی در تشکیل مناسبات میان کشورها نقش دارند، از جمله جغرافیا، تهدیدات امنیتی، نیازهای داخلی و ساختار نظام بین‌الملل^۱. عامل جغرافیا^۲ به عنوان یک عامل پایدار و تعیین کننده معتبر شناخته می شود. در این راستا، روابط میان ایران و روسیه نیز تحت تأثیر قرار گرفته و با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی مشترک، این عامل به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل تعیین کننده در این منطقه مطرح است. هرچند که جمهوری‌های جدید در این منطقه تشکیل شدند، اما ایران و روسیه همچنان منابع مشترک و همزیستی با منافع و مسائل متعارض را تجربه می کنند. پیامدهای تحولات در این منطقه همچنان بر امنیت دو کشور تأثیر می گذارد و توسعه روابط امنیتی^۳ بین آنها را موجب شده است، به خصوص ایران که در سیاست خارجی روسیه جایگاه خاصی دارد. (کریمی، ۱۳۸۸: ۶۶).

در دهه نخست سال ۱۹۹۰، سیاست خارجی روسیه تحت تأثیر روابط با غرب و فشارهای امریکا قرار گرفت. این تأثیرات به گونه‌ای بود که روسیه در برخی موارد مجبور به تسلیم شدن در برابر فشارهای امریکا شد. این اقدامات شامل لغو قراردادهای نظامی با ایران و لغو یک توافق مهم با هند در زمینه موتور موشک بود. مورد دیگر، توافقنامه گور-چرنومروین در مورد عدم تمدید قراردادهای نظامی با ایران پس از سال ۱۹۹۹ بود که در سال ۱۹۹۵ به عمل آمد (کریمی، ۱۳۸۸: ۶۷). با پیوستن به قدرت افزای نخست وزیران ملی گرا و نظامی گرا، سیاست خارجی روسیه تغییراتی را تجربه کرد و به سمت تقویت روابط با کشورهای جهان گرایی گرایش یافت. این تحولات باعث

۱- Structure of the International System

۲- Geographical Determinism

۳- Security Cooperation Development



بهبود روابط روسیه با ایران نیز گردید و تطابق مواضع دو کشور در قبال مسائل منطقه‌ای، به ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز، تقویت یافت. (کرمی، ۱۳۸۸: ۶۹).

تحولات پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز تأثیرات خود را بر تعاملات امنیتی روسیه و امریکا، به ویژه نگرانی‌های روسیه از جمهوری اسلامی ایران، گذاشت. روسیه به وضوح نشان داد که راه‌حل‌های ارائه شده توسط ایران برای مسائل منطقه‌ای، به ویژه در دریای خزر، برای آنها قابل قبول نیست. همچنین، تداوم توافقات دوجانبه^۱ و تحکیم روابط اقتصادی و امنیتی^۲ میان ایران و روسیه نشان دهنده تلاش دو کشور برای حفظ امنیت ملی و تقویت تعاملات خود در مواجهه با تحولات جهانی است.

هنگامی که روسیه به غرب نزدیک‌تر می‌شود، بدون شک تأثیرات آن بر روابط با دیگر کشورها، از جمله ایران، احساس خواهد شد. این تأثیرات به دلیل عوامل مختلفی از جمله اهمیت استراتژیک، نیازها و مبادلات اقتصادی، پرستیژ و اعتبار بین‌المللی ایجاد می‌شود. از سال ۲۰۰۳، با آغاز دوران ریاست جمهوری پوتین و تیرگی شدن روابط روسیه با غرب، ایران جایگاه مناسب‌تری در سیاست خارجی روسیه به دست آورد. پوتین با تأکید بر اهمیت زیاد ایران برای روسیه، اظهار کرده است: «دو کشور می‌توانند نه تنها در روابط دوجانبه بلکه در زمینه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بحث و گفتگو کنند. ایران نقشی بسیار مهمی در آسیای مرکزی و خاورمیانه دارد. غرب با بهانه قرار دادن فعالیت‌های هسته‌ای ایران سعی کرده روسیه را از بازارهای پرسود بیرون کند. همکاری هسته‌ای با ایران مشروط به همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای است.» (کرمی، ۱۳۸۸: ۷۱).

در سال‌های اخیر، تهران و مسکو در پی تأسیس روابط مثبت و سازنده‌تری شده‌اند، ناشی از تحولات منطقه‌ای خاورمیانه. آنها سعی در ایجاد مکانیسم‌هایی برای ثبات‌سازی روابط^۳ خود در

۱- Bilateral Agreements

۲- Economic and Security Relations

۳- Mechanisms for Stabilizing Relations

آینده دارند. همکاری‌های بین دو کشور، نشان‌دهنده عمق بخشیدن به پیوندهای سیاسی و دفاعی بین آنهاست. رئیس‌جمهور اسلامی ایران، حسن روحانی، نیز اعلام کرده است: «تصمیمات اخیر نشان از توسعه همه‌جانبه در روابط دو کشور به سمت یک روابط راهبردی دارد.» ایجاد بسترهای حقوقی و سیاسی از طریق قراردادهای دوجانبه اقدامات مهم دولت‌ها در این زمینه است (فولادی، ۱۳۹۸:۱۹۲). تأثیرگذاری عوامل متعددی بر روابط ایران و روسیه را تحت الحساب می‌آورد. قبل از دوره پوتین، دیدگاه‌های متفاوتی درون روسیه وجود داشت. پوتین قدرتمند شد و دیدگاه‌های خاص خود را ترجیح داد. همچنین، تحریم‌های همزمان علیه روسیه و ایران در زمان‌هایی که هر دو کشور زیر فشارهای اقتصادی بودند، باعث شد تا توجه آنها به منافع مشترک بیشتر شود و به سمت تقویت روابط استراتژیک حرکت کنند (فولادی، ۱۳۹۸:۱۹۳). بحران سوریه نیز به عنوان یک عامل مهم در تعامل دو کشور به شمار می‌آید. با توجه به تضادات منطقه‌ای و تلاش‌های غرب برای تغییر رژیم در سوریه، ایران و روسیه با توجه به منافع مشترک خود، به شدت به یکدیگر نزدیک شدند. تحولات در اوکراین و مواضع روسیه نیز تأثیرگذار بوده و باعث تشدید روابط سرد روسیه با غرب شده است. همچنین، تحریم‌های همزمان علیه روسیه و ایران در زمان‌های مشابه، این دو کشور را به منافع مشترک در مقابل فشارهای مشترک هدایت کرده است. به همین دلیل، روابط ایران و روسیه در سال‌های اخیر به یک سطح نزدیک تر و استراتژیک تر رسیده است.

نگاه استراتژیک نخبگان روسیه و پوتین به ایران

در دوره‌های اول و دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، تاکید بیشتری بر نگاه منفعت‌گرا به ایران وجود داشت. اما از زمان انتخاب مجدد وی به عنوان رئیس‌جمهور روسیه برای بار سوم، مشاهده می‌شود که مواضع او نسبت به ایران به شکلی مطلوب تر تغییر یافته است. در واقع، در چهار سال گذشته، روابط ایران و روسیه به نقطه اوج خود و در سطح همکاری‌های استراتژیک رسیده است. این دوره به عنوان «عصر طلایی» روابط مسکو و تهران شناخته می‌شود. نیکولای کوزانوف، تحلیل‌گری در اندیشکده کارنگی، به تبیین این مسائل پرداخته است. او به این نکته اشاره می‌کند که همکاری‌های فعلی مسکو با تهران بی سابقه بوده و تصمیم‌گیران روسیه و ایران قصد دارند یک



بنیان محکم برای گفت‌وگوی دوجانبه ایجاد کنند. این همکاری‌ها به ارتقا روابط اقتصادی و سیاسی در طولانی‌مدت بین دو کشور منجر شده و از نوسانات غیرضروری در این روابط جلوگیری شده است. این تصمیمات اساساً بر اساس نیازهای روسیه برای نقش‌آفرینی بیشتر در خاورمیانه و آسیا و همچنین برای مقابله با تلاش‌های امریکا و اتحادیه اروپا برای منزوی کردن مسکو مبتنی است. از سوی دیگر، مقامات ایرانی نیز این همکاری‌ها را به عنوان فرصتی برای تقویت روابط با روسیه و مقابله با تلاش‌های غرب درک کرده و این فرصت را به عنوان یک ابزار برای توسعه همکاری‌های نزدیک‌تر با روسیه می‌دانند. (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

دیدگاه‌های ولادیمیر پوتین و نظام حاکم در تعیین اولویت‌های روسیه در صحنه بین‌المللی، منجر به تشدید تنش‌ها در روابط با غرب، به‌ویژه امریکا، شده است. مسائلی مانند کریمه در اوکراین و حمایت از بشار اسد در سوریه از مسائل اصلی این تنش‌ها هستند. این اختلافات، به همراه بدعهدی‌های غرب در قبال روسیه در جنگ لیبی و ناامیدی مقامات کرملین از حل اختلافات با غرب، باعث جدایی روسیه از غرب شده و روابط با امریکا و اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار داده است. پوتین در دوره سوم ریاست جمهوری خود، تصمیم داشت روابط با کشورهای مستقل از غرب را تقویت کند. او در دیدار با محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور اسبق ایران، بر منافع روسیه در گسترش روابط با تهران تأکید کرد و ایران را یک متحد سنتی قدیمی روسیه توصیف کرد. (همان).

سفر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، به تهران نشانه‌ای از شروع دوران جدیدی در روابط روسیه و ایران بود. این دوره با گسترش گفت‌وگوها و همکاری‌ها میان دو کشور همراه بود. لاوروف حتی ایران را یک متحد طبیعی برای روسیه در مقابل تندروهای مذهبی در خاورمیانه توصیف کرد. از آن زمان، همکاری‌ها به تدریج افزایش یافته و در طول مذاکرات هسته‌ای، به ویژه در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، به سطح یک همکاری استراتژیک نزدیک‌تر رسیده است. با وجود اختلافات موجود، این همکاری‌ها به عنوان ابزاری برای توسعه روابط استراتژیک بین ایران و روسیه تلقی می‌شود. (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

همکاری‌های دو کشور در دوره جدید

روابط نوین میان ایران و روسیه پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸ میلادی) و خروج نیروهای شوروی از افغانستان آغاز شد. این دوره را می‌توان با سفر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران و همچنین رئیس مجلس شورای اسلامی به مسکو در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹ میلادی) و امضای قرارداد ده میلیارد دلاری همکاری‌های فنی و اقتصادی بین دو کشور نشان داد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، روسیه جدید توانست روابط با ایران را حفظ کرده و به تدریج آن را گسترش دهد. در این دوره، مقامات دو کشور در سطح وزرا (وزرای خارجه، دفاع و دبیران شورای امنیت) نیز به بازدیدها و مکالمات ادامه دادند. با وجود برخی مشکلات و موانع، جغرافیای نزدیکی روسیه به مرزهای ایران و کاهش عنصر تهدید، به تهران امکان داد تا با وضعیت جدیدی از روابط استراتژیک با مسکو بهره‌مند شود. این شرایط به عنوان عواملی مؤثر در اتحاد و همکاری بین ایران و روسیه مطرح می‌شوند. (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

در سال ۲۰۰۰، ملاقات سران دو کشور در نیویورک به تحولی مثبت در روابط منجر شد. این ملاقاتها به تقویت روابط نزدیک روسیه و ایران منجر شد و توافق‌نامه‌های همکاری‌های اساسی بین رهبران دو کشور در سال ۲۰۰۱ امضاء شد. این دوره از زمان، روابط دوجانبه را به صورت جدی‌تر و پایدارتر نمود. همچنین در آوریل ۲۰۰۲، وزیر خارجه ایران به مسکو سفر کرد و توافق‌نامه‌ها و مدارک موافقت‌نامه مارس ۲۰۰۱ را مورد تأیید قرار داد. حذف وحشتناک مسکو از ۲۲۵۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران و کاهش این مرز به ۴۰۰ کیلومتر، شرایط جدیدی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و امنیتی میان دو کشور ایجاد کرد. این رویدادها نشان دهنده تلاش‌های دو کشور برای تقویت روابط و توسعه همکاری‌های مشترک در زمینه‌های مختلف اقتصادی و امنیتی در دوران مختلف است. (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

روابط دوجانبه

همکاری‌های دوجانبه ایران و روسیه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فنی و نظامی به مرور زمان افزایش یافته و در ادامه به بررسی همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازیم.



الف: روابط اقتصادی

ماهیت روابط سیاسی بین ایران و روسیه به نحوی است که بر تمامی ابعاد اقتصادی و سیاسی این دو کشور تأثیرگذار است. این تأثیرات مختلف باعث افزایش تعاملات و ارتباطات بین دو کشور در حوزه‌های مختلف از جمله سیاست، اقتصاد و امور بین‌الملل شده است. روابط اقتصادی بین ایران و روسیه از سال ۲۰۰۰، با آغاز دوره ریاست جمهوری پوتین و سفر خاتمی به مسکو، و همچنین امضاء قراردادهای همکاری ده‌ساله، به نحو قابل توجهی گسترش یافت. به طوری که در سال ۲۰۰۵، روسیه به عنوان هفتمین شریک تجاری ایران تبدیل شد و ۳۳.۵ درصد از کل کالاهای صادراتی به ایران را تأمین کرد. ارزش تجارت دوجانبه در سه ماه اول سال ۲۰۰۷ نیز به میزان ۲۹۴.۲ میلیارد دلار رسید. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

با بررسی تبدلات تجاری در دوره‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳، مشخص می‌شود که تحریم‌ها و فشارهای غرب بر ایران تأثیر مستقیمی بر کاهش مبادلات تجاری این دو کشور داشته‌اند. در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶، با شروع بحران اوکراین، کاهش قیمت نفت و فشارهای غرب بر روسیه، تعاملات روسیه با دیگر کشورها، از جمله چین، به نسبت کاهش یافت. در عین حال، روابط تجاری ایران با روسیه نه تنها کاهش نیافت بلکه یک رشد ۵ درصدی را تجربه کرد. (فولادی، ۱۳۹۸: ۱۹۷).

همچنین پس از روی کار آمدن دولت یازدهم در جمهوری اسلامی ایران که همراه با تنش‌زدایی و توجه به روابط بین‌الملل بود، همکاری‌های دولتمردان دو کشور به سطح بالایی رسید. افزایش رفت‌وآمد مقامات و هیئت‌های اقتصادی و تجاری و مذاکرات برای تأمین نیازهای بازار روسیه در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی، شیلات، فرآورده‌های پروتئینی، شیر و فرآورده‌های لبنی، گوشت و فرآورده‌های آن در سال ۲۰۱۵ باعث رشد ۵ درصدی تبدلات فی‌مابین شد. (جویباری، ۱۳۹۸: ۱۹۸).

در زمینه انرژی، تأکید بر جلوگیری از سلطه شرکت‌های خارجی و فراملیتی بر منابع انرژی، موضوعی است که جمهوری اسلامی ایران مخالفت می‌کند. نفوذ امریکا و اسرائیل و حضور شرکت‌های غربی و امریکایی در منطقه برای ایران به عنوان یک خطر امنیتی ملی مطرح است. از

دیگر نظر، توسعه منابع نفت و گاز برای روسیه به عنوان یک مسئله استراتژیکی تلقی می‌شود که مستقیماً با امنیت ملی این کشور ارتباط دارد. در نتیجه، همکاری با روسیه برای ایران از اهمیت خاصی برخوردار است.

به طور کلی، روابط اقتصادی و انرژی بین ایران و روسیه نشان‌دهنده همکاری‌های استراتژیکی و گسترده است که در این ارتباط، هر دو کشور از تبادلات متقابل بهره‌مند شده و از این همکاری‌ها به نفع خود و همچنین به نفع استقرار پایدار در منطقه و جهان بهره‌مند می‌شوند. (همان).

ب: روابط نظامی و امنیتی

پس از بحران کوزوو و ظهور و روی کار آمدن پوتین در روسیه، روند همکاری‌های نظامی-فنی بین ایران و روسیه تحولات اساسی را تجربه کرد. در دوره‌ای که از اواسط سال ۱۳۷۸ شروع شد، رئیس‌جمهور ایران و روسیه در نیویورک با یکدیگر دیدار کرده و وزیر دفاع روسیه نیز در دسامبر سال ۱۳۷۸ به ایران سفر کرد. این دیدارها منجر به توافقات اساسی در زمینه همکاری‌های نظامی شد، به گونه‌ای که دو کشور تصمیم گرفتند در زمینه مسائل امنیتی مشورت‌های فعال داشته باشند (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

در طول خیزش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۲۰۱۰ به بعد، نزدیکی دیدگاه‌های سیاسی ایران و روسیه به‌ویژه در قضایای سوریه تأثیرگذار شد. این نزدیکی دیدگاه‌ها همراه با تحولات منطقه‌ای، به تعاملات نظامی و تسلیحاتی میان دو کشور افزوده شد. مهم‌ترین اقدام در این زمینه، تحویل سامانه‌های سطح به هوای اس-۳۰۰ به ایران در سال ۲۰۱۵ بود.

برخورداری ایران از حقوق حاصل از توافق هسته‌ای (برجام) نیز نقش مهمی در تسلیحات دفاعی این کشور ایفا کرده است. این توافق به ایران امکان مؤثری برای تأمین تسلیحات و تجهیزات موردنیاز فراهم کرده است. تحویل سامانه‌های اس-۳۰۰ یکی از نمونه‌های این همکاری‌های نظامی برجسته بین ایران و روسیه است (فولادی، ۱۳۸۹: ۲۰۱).



از نظر امنیتی، نقش و اهمیت اتحاد غیررسمی امریکا، ترکیه و جمهوری آذربایجان در منطقه، به ویژه تهدید به منافع و امنیت ملی ایران را زیاد کرده است. به منظور مقابله با این تهدیدات، ایران نیازمند بخشی از امنیت ملی خود را بر مبنای همکاری با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای، به خصوص روسیه، قرار داده است. با تثبیت وضعیت سیاسی و اقتصادی در دوران حاکمیت پوتین، توجه این کشور به منطقه اوراسیا و به ویژه حوزه خزر افزایش یافته است.

با توجه به محدودیت‌های ایران در تأمین تسلیحات موردنیاز، همکاری با روسیه که یکی از کشورهای برتر در زمینه تولید تسلیحات با کیفیت است، برای ایران بسیار حائز اهمیت است. این همکاری به شکل خرید تسلیحات نظامی از جمله سامانه‌های دفاعی، به ویژه سامانه‌های سطح به هوای اس-۳۰۰، نمونه‌هایی از موفقیت‌های این همکاری است. همچنین همکاری در تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر با فناوری روسی نشان از جنبه‌های استراتژیک این همکاری است (فولادی، ۱۳۸۹: ۲۰۱).

در مجموع، سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین به منظور تأمین منافع ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، اقتصادی و مسائل زیست‌محیطی در منطقه خزر تمرکز دارد. از نظر روسیه، تقویت موقعیت این کشور در حوزه خزر از اهمیت بالایی برخوردار است. پوتین با توجه به تدابیری که اتخاذ کرده است، سعی در تحکیم موقعیت روسیه در این منطقه دارد. همچنین تأکید بر نقش ویژه دریای خزر در سیاست خارجی روسیه و تصمیم به ایجاد یک نماینده ویژه برای مسائل دریای خزر، به تضعیف تأثیر دیگر قدرت‌ها در این منطقه و حفظ منافع روسیه کمک کرده است (فولادی، ۱۳۸۹: ۲۰۲).

روابط منطقه‌ای

دستور سیاست خارجی پوتین که در ۶ می ۲۰۱۲ صادر شد، نمایانگر تغییرات بنیادین در سیاست خارجی و دفاعی روسیه نسبت به دوره‌های گذشته است. از زمان به قدرت رسیدن پوتین در سال ۲۰۰۰ میلادی، مشاهده می‌شود که سطح مخالفت با غرب از تضاد و مخالفت آشکار به بی‌اعتمادی صریح تغییر کرده و با برخی از جوانب همکاری‌های متعادل تعدیل شده است. دور

سوم ریاست جمهوری پوتین، این تغییرات در سیاست خارجی روسیه را بیان می‌کند. وی تلاش کرده است تا خود را از سیاست‌های امریکا دور نگه دارد و در عین حال روابط نزدیک‌تری با کشورهای برقرار کند که منتقد یک‌جانبه‌گرایی امریکا هستند، از جمله ایران، چین، هند، افریقای جنوبی و برزیل (اصولی، ۱۳۹۲).

همچنین، ایران و روسیه به تدریج در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، خزر به درک مشترکی از منافع متقابل دست یافته‌اند که مبنای همکاری در سطح مناطق را فراهم کرده است. گسترش نفوذ قدرت‌های غربی و متحدان آن‌ها، به ویژه ترکیه، اسرائیل، عربستان و پاکستان، و سرایت بحران‌های منطقه به درون مرزهای دو کشور، این دو را به افزایش همکاری‌های مؤثر و موثر در این مناطق سوق داده است.

موقعیت جغرافیایی ایران که به‌عنوان کشوری با تأثیر در منطقه خاورمیانه و همچنین در مناطق آسیای مرکزی، خزر و قفقاز حضور دارد، موجب شده تا ایران و روسیه همزمان در مناطق مختلف با منافع متقابل یا گاهی متضاد خود مشغول به فعالیت شوند. در این راستا، ایران با داشتن نقش بازیگرانه در مسائل منطقه‌ای و جهانی، و روسیه که به‌عنوان یکی از قدرت‌های مهم جهانی حساب می‌شود، هر یک در حوزه‌های مختلف به دنبال تعزیز منافع خود هستند و همکاری‌هایی با هم انجام می‌دهند.

الف: آسیای مرکزی

حوزه‌های همکاری بین روسیه و ایران در آسیای مرکزی گسترده و چندجانبه بوده و از جمله این حوزه‌ها می‌توان به مسائل امنیتی و ثبات منطقه، انتقال انرژی، و مبارزه با ترانزیت مواد مخدر اشاره کرد. یکی از مهمترین حوزه‌های همکاری میان روسیه و ایران، مسائل امنیتی و ثبات آسیای مرکزی است. هر گونه تنش و ناامنی در این منطقه به‌عنوان یک تهدید برای هر دو کشور، که دارای محیط امنیتی مشترک هستند، در نظر گرفته می‌شود. با در نظر گرفتن ظرفیت نزاعات در منطقه، از جمله در زمینه‌های مرزی، اقلیمی، و افراط‌گرایی، روسیه و ایران همکاری خود را با هدف تضمین امنیت ملی و حفظ ثبات منطقه تقویت نموده و در مقابل عوامل خارجی مانند



تورریسم، گسترش تسلیحات، و مواد مخدر، به عنوان تهدیدات مشترک علیه امنیت منطقه اقدامات مشترکی انجام می‌دهند (اصولی، ۱۳۹۲).

در زمینه انتقال انرژی، آسیای مرکزی به عنوان یک منبع مهم انرژی برای جهان در نظر گرفته می‌شود و هر دو کشور به دنبال تأمین نیازهای انرژی‌ای خود از این منطقه هستند. با این حال، همکاری روسیه با ایران در این زمینه ظاهراً تعاملات مثبتی دارد، اما در عمل روسیه به عنوان یک رقیب بالقوه برای ایران در زمینه صدور و ترانزیت انرژی در منطقه عمل کرده و از ورود ایران به این حوزه جلوگیری می‌کند.

یک دیگر از زمینه‌های مشترک برای همکاری یا رقابت میان این دو کشور، مسئله ترانزیت مواد مخدر از افغانستان است. با توجه به این که افغانستان تولیدکننده حدود ۹۰ درصد مواد مخدر جهان است، کنترل مسیرهای ترانزیت از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. روسیه و ایران هر دو به دلیل امنیت ملی و منافع خود در منطقه، به مبارزه با ترانزیت مواد مخدر از طریق این مسیرها متعهد هستند و همکاری‌هایی در این زمینه ممکن است تا حدودی تسهیل‌کننده باشد.

ب: منطقه قفقاز

منطقه قفقاز به عنوان یک ناحیه با تنوع فرهنگی و قومی بالا، برای روسیه و ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. این منطقه با وجود هشت جمهوری خودمختار در شمال و سه جمهوری مستقل و چهار جمهوری خودمختار در جنوب، به یک موزاییک فرهنگی تبدیل شده است. برای روسیه، مجاورت با قفقاز و دریای سیاه اهمیت ویژه‌ای دارد، به ویژه در پرتو مسائل مرتبط با گسترش ناتو و سایر نهادهای غربی. این وضعیت جغرافیایی، روسیه را در معرض تأثیر و تداخل با تحولات منطقه‌ای قرار داده و برجستگی خاصی برای این کشور به ارمغان آورده است.

همچنین، برای ایران، مجاورت با قفقاز به دلیل ناامنی و درگیری در مسائل قومی و هویتی، نگرانی‌هایی را به همراه داشته است. بحران‌های قومی در این منطقه، به ویژه بحران قره‌باغ، برای ایران نیز به عنوان یک چالش قابل توجه در زمینه امنیت ملی و نفوذ منطقه‌ای شناخته شده است. در این زمینه، هر دو کشور سعی در تقویت همکاری‌های خود جهت مقابله با این چالش‌ها دارند.

هرچند تاکنون همکاری خاصی در بحران‌های قومی و هویتی منطقه قفقاز مشاهده نشده است، اما روسیه با ارتباطات ویژه با جمهوری ارمنستان، داشتن پایگاه نظامی در این کشور، و نفوذ گسترده در آذربایجان و گرجستان، ابزارهای متعددی برای نفوذ و فشار در این منطقه در اختیار دارد. همچنین، این کشور از مواقع متعددی به کمک اقوام کشورهای داخل منطقه نظیر آبخازیا، اوستیایی‌ها و آجارها حمایت می‌کند. منافع دیگری که روسیه و ایران در منطقه قفقاز دارند، شامل مخالفت با حضور قدرت‌های خارجی و روابط کشورهای گرجستان و آذربایجان با ناتو است. با این وجود، تاکنون هر دو کشور قادر به برقراری یک همکاری خاص در این زمینه‌ها نشده‌اند (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

ج: دریای خزر

مسائل دریای خزر به عنوان یک منطقه استراتژیک برای روسیه و ایران از پیچیدگی بالایی برخوردار است. در ابعاد سلبی، دو کشور توافقاتی را برخیزانیده‌اند که شامل عدم حضور و فعالیت کشورهای غیر ساحلی در دریای خزر، جلوگیری از عبور خطوط انتقال انرژی از طریق ترکیه، و ایجاد یک رژیم حقوقی جدید برای دریای خزر می‌شود. اما در ابعاد ایجابی، هماهنگی در زمینه‌هایی مانند بهره‌برداری از فرصت‌های جغرافیایی و انتقال انرژی به نحو موثر و همکاری برای توافقات چندجانبه، به خصوص با کشورهای هم‌ساحل، ایجاد نشده است. این امور باعث وجود مسائل غیرقابل حل و اختلافات بین دو کشور شده است (اصولی، ۱۳۹۲).

از دیدگاه ایران، موافقت‌نامه‌های دوجانبه روسیه و قزاقستان، و همچنین روسیه و آذربایجان در مورد تقسیم دریای خزر، باعث اعتراض شده و به نظر می‌رسد که این موافقت‌نامه‌ها با روح تفاهات پیشین متفاوت هستند. ایران این توافقات را به عنوان تخطی از تعهدات پیشین و فشارهایی برای رسیدن به توافقات با سایر کشورهای هم‌جوار توصیف می‌کند.

اقدامات تقسیم دریاچه خزر و تعیین مرزهای ساحلی توسط روسیه با قزاقستان و آذربایجان، منجر به اعتراضات ایران شده است. این اعتراضات نشان‌دهنده عدم پابندی روسیه به توافقات پیشین با ایران تا قبل از حصول توافقات جدید است.



در زمینه انتقال انرژی، هرچند توافق بر سر جلوگیری از ایجاد خطوط انتقال شرقی-غربی به دست آمده است، اما هیچ توافقی برای بهره‌گیری از فرصت‌های جغرافیایی و انتقال انرژی به نحو موثر بین دو کشور ایجاد نشده است. روسیه تاکنون به عنوان یک ابرقدرت انرژی از نظر پوتین مدنظر قرار گرفته و ایران را به عنوان یک رقیب بالقوه در این زمینه می‌بیند (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

د: خاورمیانه

عوامل تقویت همکاری‌های ایران و روسیه در منطقه خاورمیانه گوناگون هستند. یکی از این عوامل به توان بالای کنشگران ایران در کشورهای عراق، افغانستان، سوریه، لبنان و فلسطین مرتبط است. این کنشگران با تأثیرگذاری در سیاست و امور داخلی این کشورها، زمینه را برای همکاری‌های بیشتر ایران و روسیه در منطقه فراهم می‌کنند. همچنین، عوامل متعددی نظیر انقلاب‌های عربی و روی کار آمدن حکومت‌های متمایل به غرب در منطقه، زمینه را برای تقویت همکاری ایران و روسیه با توجه به تعارض منافع با این حکومت‌ها فراهم می‌کند. (اصولی، ۱۳۹۲).

در سند تدبیر سیاست خارجی روسیه، خاورمیانه در اولویت پنجم منطقه‌ای سیاست خارجی مسکو قرار دارد. این نشان می‌دهد که روسیه به منطقه خاورمیانه اهمیت می‌دهد و از دوران پوتین به عنوان یک اولویت در سیاست خارجی این کشور محسوب می‌شود. روسیه به تقویت روابط با کشورهای منطقه نظیر ایران، ترکیه، عراق و کشورهای جنوبی خلیج فارس توجه ویژه دارد. همچنین، روابط با کشورهای سوریه، مصر، اردن، لبنان، فلسطین و اسرائیل نیز اهمیت دارد.

در مواضع نسبت به صلح در خاورمیانه، دو کشور ایران و روسیه دیدگاه‌های متفاوتی دارند. ایران روند سازش را ناعادلانه می‌داند، در حالی که روسیه با اسرائیل روابط گرمی دارد. این تفاوت در دیدگاه‌ها باعث می‌شود که هر کشور نسبت به مسائل منطقه‌ای با دیدگاهی خاص و تأثیرگذار به آن نگرسته و از این دیدگاه، فرصت‌های جدیدی برای همکاری منطقه‌ای ایران و روسیه در خاورمیانه به وجود آید. (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

با وجود این تفاوت‌ها، سه عامل اصلی باعث شده که فرصت‌های جدیدی در خاورمیانه برای همکاری منطقه‌ای ایران و روسیه ایجاد شود. اولین عامل، تقویت جایگاه ایران در تحولات منطقه است

که ناشی از روی کار آمدن دولت‌های شیعه در عراق و پیروزی حماس در فلسطین می‌باشد. دومین عامل، فعال تر شدن روسیه در تحولات خاورمیانه و خلیج فارس است که به عنوان نمونه حمایت از حماس در فلسطین اشاره شده است. سومین عامل نیز بحران سوریه است که ایران و روسیه از انجام اصلاحات در ساختار نظام سیاسی سوریه حمایت کرده و اعتقاد دارند که از طریق مسالمت آمیز می‌توان به راهکاری برای همکاری بین دولت و مخالفان دست یافت. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

همکاری‌های دو کشور در مسائل بین‌المللی

در دهه ۱۹۹۰، ابتدا روسیه خود را در پیوند با غرب می‌دید و زمینه‌های محدودی برای همکاری با ایران نمی‌دید. اما از اواسط دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه با ظهور پوتین، دو کشور ایران و روسیه در مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی امریکا و ترویج نظام چندقطبی، منافع مشترکی پیدا کردند. این مسائل به‌ویژه از سال ۲۰۰۴ و پس از شروع موج انقلاب‌های رنگی در اوراسیای مرکزی جدی‌تر گشت. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

الف: چندجانبه‌گرایی

در چارچوب ایده چندجانبه‌گرایی پوتین، هدف اصلی توسعه اقتصادی و برقراری همگرایی با اروپای بزرگ‌تر بود. این رویکرد عمل‌گرایانه به دنبال عدم تقابل و همکاری نزدیک‌تر با امریکا و متحدان آن بود. (نوری، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

دو کشور ایران و روسیه با مخالفت شدید به نظام بین‌المللی تک‌قطبی و هژمونی امریکا، تاکید بر عدم تقابل، و توجه به همگرایی با کشورهای مستقل یا ناراضی از وضع موجود، به مواضع مشترک دست یافتند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

ایران و روسیه از برخورد دوگانه غرب در زمینه حقوق بشر و دموکراسی نیز رنج می‌برند و این امر باعث شده است که در بیانیه‌ها و اظهارنظرهای متعدد، به وجود استانداردهای دوگانه در غرب اشاره کنند. این دیدگاه مشترک در مورد استانداردهای دوگانه حقوق بشر باعث حمایت متقابل ایران و روسیه از یکدیگر شده است. این دو کشور از سال ۱۹۹۶ به بعد به قطعنامه‌هایی که علیه حقوق بشر در ایران مطرح شده رأی منفی داده‌اند و ایران نیز از مواضع روسیه حمایت کرده است. (همان، ۱۷۱).



ب: ارزیابی سیاست خارجی روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران

همکاری‌های هسته‌ای میان ایران و روسیه آغاز و توسعه یافته که به‌ویژه از اوایل دهه ۹۰ میلادی به سرعت گسترش یافت. این همکاری‌ها با سفر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور آن زمان ایران به مسکو آغاز شد. در ماه اوت ۱۹۹۲، توافقنامه‌ای به‌عنوان بخشی از یک برنامه درازمدت همکاری تجاری میان دو کشور امضا شد. این توافقنامه شامل مواردی همچون سوخت نیروگاه هسته‌ای برای ایران، چرخه سوخت هسته‌ای، تحویل رآکتورهای تحقیقاتی، بازفراوری پسماندهای سوخت، تولید ایزوتوپ برای استفاده در تحقیقات علمی و پزشکی، و آموزش دانشمندان هسته‌ای ایرانی در موسسه مهندسی فیزیک مسکو بود.

در سال ۱۹۹۵، قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر به ارزش هشتصد میلیون دلار به امضا رسید. در زمان امضای این توافق، انرژی اتمی در روسیه یکی از توسعه‌یافته‌ترین عرصه‌های تکنولوژی مدرن این کشور بود و در عین حال، این همکاری‌ها منافع اقتصادی بسیار زیادی برای روسیه داشتند. از آغاز، روسیه تلاش کرد به جامعه بین‌المللی نشان دهد که توسعه نیروگاه بوشهر هدف مسالمت‌آمیز و هیچ‌گونه تسلیحات هسته‌ای به ایران ارائه نشده است. (شلاپتوخ، ۱۳۹۴: ۶۶).

سیاست‌گذاران روسیه در این زمینه تأکید کرده‌اند که همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه باید به روابط آن‌ها با غرب، به‌ویژه آمریکا، آسیب نزند. روسیه به‌ویژه از تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی توسط ایران حمایت نموده و از آن خواسته است که با همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (آئی‌آی‌آ) و اروپا، مسائل خود را به صورت دیپلماتیک حل کند تا از تشدید تنش‌ها جلوگیری شود. روسیه همواره اهمیت حل مسائل هسته‌ای به صورت دیپلماتیک را تأکید کرده و استفاده از راه‌حل‌های نظامی را تقییح نموده است.

بازگشت پوتین و توافق هسته‌ای ایران

در سال ۲۰۱۲، ولادیمیر پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور به کاخ کرملین بازگشت و امکان ادامه ریاست جمهوری تا سال ۲۰۱۸ و انتخابات بعدی را داشت. در دوره نخست ریاست جمهوری پوتین که هم‌زمان با پایان دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد ایران بود، سیاست روسیه نسبت به

ایران تغییرات چشمگیری نکرد. حتی با بازگشت پوتین در سال ۲۰۱۲، این رابطه به صورت قابل توجهی تحول نیافت. در میان مذاکرات ایران با گروه ۵+۱، روسیه همواره به تأکید بر اطمینان اسرائیل از برنامه هسته‌ای ایران اهمیت داده است و این سیاست توسط پوتین جدی گرفته شده است. (کولایی، ۱۳۹۶: ۱۵۴). پس از پیروزی حسن روحانی در انتخابات ۲۰۱۳، با وعده‌های تنش‌زدایی در روابط با آمریکا و غرب، روسیه نیز دوباره به ایران توجه بیشتری نشان داد. این دوره هم‌زمان با تشدید بحران سوریه و افزایش تمایلات روسیه به نقش‌آفرینی در خاورمیانه بوده، و همکاری منطقه‌ای بین تهران و مسکو محور توجه قرار گرفته است. روسیه و ایران نه تنها در مسائل خود، بلکه در قضایای افغانستان، عراق و سوریه نیز به توافقات مشترک دست یافته و در سپتامبر ۲۰۱۴، ایران را «متحد طبیعی» روسیه خواندند. تحریم‌های اروپا و آمریکا در قبال روسیه در مواجهه با مسائل اوکراین نیز تأثیر بسزایی در روابط دوجانبه ایران و روسیه داشته و نزدیکی این دو کشور در مقابل مداخلات آمریکا در منطقه بیشتر به چشم می‌آید. در کل، روسیه با حفظ نزدیکی با ایران و مخالفت با تداخل‌های غرب در منطقه، سعی در حفظ منافع خود دارد و این روابط دارای اهمیت ژئوپلیتیکی بسیار بالا می‌باشند. (همان).

تحولات فراوان در سطح بین‌المللی و داخلی، شکل‌گیری بحران اوکراین و تحریم‌هایی که به روسیه تحمیل شده، به همراه مذاکرات هسته‌ای و نقش فعال روسیه در جنگ سوریه، موجب تغییرات عمیقی در روابط ایران و روسیه شده است. ورود روسیه به صحنه عملیاتی در سوریه ابعاد مختلفی از روابط این دو کشور را تحت تأثیر قرار داده و مرحله جدیدی از همکاری‌ها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، و همکاری‌های منطقه‌ای را رقم زده است. این تحولات در دوران پس از دیدار پوتین و خامنه‌ای در تهران در سال ۲۰۱۵، با اعلام آمادگی برای توسعه روابط در تمامی حوزه‌ها، به وجود آمد.

اراده سیاسی مشترک تهران و مسکو در این زمینه، باعث حرکت‌های فراوان در ابعاد اقتصادی این همکاری شد. با این حال، حجم معاملات تجاری میان ایران و روسیه در سال ۲۰۱۶ به حدود یک و نیم میلیارد دلار رسید، اما هنوز با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دو کشور به صورت کامل



هماهنگ نبود. طرفداران این روابط معتقدند که این همکاری دارای جنبه‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی است که با توجه به شرایط متغیر و دخالت عوامل مختلف، مستلزم اراده دوجانبه‌ی فعال این دو کشور است. اسناد سیاست خارجی روسیه نیز از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳، افزایش توجه روسیه به منطقه‌ای ایران را نشان می‌دهد، که در تداخل با شرایط و تحولات منطقه‌ای، روابط ژئوپلیتیکی این دو کشور را تقویت کرده است. (کولایی، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

ولادیمیر ساژین، کارشناس سیاسی و خاورشناس روس، در تحلیلی به نام «روسیه - ابرقدرت جهانی - و ایران - ابرقدرت منطقه‌ای» به بررسی نقش بسیار مهم این دو کشور در سیاست جهانی و منطقه‌ای پرداخته است. او بیان می‌کند که روسیه به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی و ایران به‌عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای در خاورمیانه شناخته می‌شوند و تأثیر و نفوذ قابل ملاحظه‌ای در نقاط مهم جهان، به‌ویژه در خاورمیانه، دارند. (sputniknews.com). او اظهار می‌کند که این دو کشور نه تنها در مسائل بین‌الملل، بلکه از دیدگاه خود در قضایای چندضلعی با روسیه، امریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

با پیدایش بحران در سوریه و نقش ایران در کنار دمشق، رهبران دو کشور تصمیم به تقویت همکاری‌های دوجانبه گرفته و زمینه‌های گسترش منافع منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم کرده‌اند. از سال ۲۰۱۵، پس از سفر ولادیمیر پوتین به ایران، این اراده سیاسی در تهران و مسکو، به حرکت‌های فراوان در روابط اقتصادی دو کشور انجامیده است. حمله هوایی روسیه از سپتامبر ۲۰۱۵ به حمایت از رژیم بشار اسد، جنگ سوریه را به مرحله جدیدی کشانده و همکاری‌های ایران و روسیه در این زمینه تأثیرات بسیاری را به دنبال داشته است.

مارک کاتز، یک تحلیل‌گر مسائل روسیه، بیان می‌کند که نزدیکی مواضع ایران و روسیه نه تنها در مسئله سوریه، بلکه در دیگر زمینه‌ها نیز به شدت مشابه است. این نزدیکی موجب عزم جدی دو کشور برای توسعه روابط دوجانبه شده است. (Katz, 2017).

سرگی بلاگوف نیز در تحلیلی برای آسیا تایمز به سفر روحانی به روسیه در مارس ۲۰۱۷ و مذاکرات بین رئیس‌جمهور ایران و روسیه پیرامون افزایش مناسبات دوجانبه و منطقه‌ای اشاره

می‌کند. همکاری‌های ایران و روسیه در سوریه تأثیر منفی بر روابط روسیه و اسرائیل گذاشته است و تحلیل‌گران این نزدیکی را یکی از دلایل توسعه روابط تهران و مسکو معرفی می‌کنند. (کولایی، ۱۳۹۶: ۱۵۸).

در میان تحولات متعدد روابط ایران و روسیه، روابط با اسرائیل همواره یک جایگاه و اهمیت خود را حفظ کرده‌اند. روسیه همواره تلاش کرده تا تعادل در روابط خود با هر دو کشور حفظ شود و در این زمینه انعطاف‌پذیری را به خرج داده است. برخی از تحلیل‌گران او را در این زمینه خویش‌نمون دار خوانده‌اند. تعبیر جان ر. هاینس که در بررسی سیاست روسیه در برابر ایران، آن را «بدبینانه و تردیدالود» خوانده، تصور روشنی از واقعیت را نشان می‌دهد که در جامعه ایران نیز جریان دارد.

همکاری‌های دوره برجام

توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ یکی از رویدادهای بسیار مهم در صحنه سیاسی منطقه‌ای و حتی جهانی بود. این توافق توانست روابط ایران با بسیاری از دولت‌ها را در تعامل بین‌المللی به چالش بکشد و واکنش‌های مختلفی را در سطح بین‌الملل ایجاد کند. در تاریخ ۱۴ جولای ۲۰۱۵، پس از امضای توافق جامع هسته‌ای، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، اظهار خرسندی کرد و توافق را به‌عنوان یک قدرت بر پایه قوانین بین‌المللی، به‌ویژه پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای و موافقت‌نامه پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تأکید کرد. او تصریح کرد که این توافق نشان از انتخاب قاطعی برای ثبات و همکاری است.

پوتین به سهم بزرگ کارشناسی تیم مذاکره‌کننده روسیه در تدارک این توافق اشاره کرد و اراده سیاسی در میان گروه ۵+۱ و ایران را برای ایجاد موتیوهای جدید در روابط دوجانبه برجسته ساخت. وی بر اهمیت توافق جامع هسته‌ای برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید کرد و اعلام کرد که روسیه در جهت تقویت امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری خواهد کرد. همچنین، پوتین بر توسعه همکاری‌های روسیه و ایران در زمینه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز با تأکید بر اجرای طرح‌های گسترده این همکاری اشاره کرد. (کرامتی‌نیا، ۱۳۹۵: ۷۸).



این توافق هسته‌ای به عنوان یک ابزار منحصر به فرد برای تضمین صلح و امنیت منطقه و جهان شناخته شد و روسیه نیز تأکید کرد که به شدت حمایت می‌کند تا زمینه‌های مختلف همکاری با ایران در زمینه انرژی هسته‌ای به کار گرفته شود. (جویناری، ۱۳۹۸: ۱۹).

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، نقدهای مؤثری به طرح گام به گام و مذاکرات توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ ارائه کرده است. او به نکاتی اشاره کرده که از دیدگاه روسیه به توافق هسته‌ای اهمیت دارند:

- سازگاری با سیاست خارجی روسیه: لاوروف معتقد است که توافق نهایی با هدف اذعان به حق ایران برای انجام فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، از جمله حق غنی‌سازی اورانیوم و تحت کنترل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با سیاست خارجی روسیه سازگار است؛
- تقویت رژیم منع گسترش: او معتقد است که توافق جامع در برنامه هسته‌ای ایران منجر به تقویت رژیم منع گسترش سلاح هسته‌ای خواهد شد و تأثیر مثبتی بر امنیت و ثبات منطقه و خلیج فارس خواهد داشت؛
- رفع بهانه‌های توسل به زور علیه ایران: لاوروف با تأکید بر نقش توافق هسته‌ای در رفع بهانه‌ها برای توسل به زور علیه ایران، این نکته را مطرح کرده است؛
- تأثیر مثبت در مناسبات تهران و مسکو: وی اظهار داشته که حل و فصل برنامه هسته‌ای ایران تأثیر مثبتی در روابط دوجانبه روسیه و ایران خواهد داشت و چشم‌انداز گسترده‌تری را برای تعمیق همکاری آنها خواهد گشود؛
- گشودن فرصت‌های جدید برای حل و فصل دیگر مسائل منطقه‌ای: او معتقد است که توافق هسته‌ای فرصت‌های جدیدی برای حل و فصل دیگر مسائل و درگیری‌های منطقه‌ای فراهم خواهد کرد؛
- ایجاد انگیزه‌های بیشتر برای پیشبرد ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی: او بر اهمیت توافق هسته‌ای در ایجاد انگیزه‌های بیشتر برای پیشبرد اهداف ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی تأکید کرده است؛

- رفع موانع در راه تشکیل ائتلاف گسترده برای مبارزه با گروه‌های تروریستی: وی به تأثیر مثبت توافق هسته‌ای در رفع موانع تشکیل ائتلاف گسترده برای مبارزه با گروه‌های تروریستی اشاره کرده است. (کرامتی نیا، ۱۳۹۵: ۸۰).

به‌طور کلی، نقدها و دیدگاه‌های لاوروف نشان‌دهنده حمایت روسیه از توافق هسته‌ای ایران و ارتباط این توافق با سیاست‌ها و اهداف بین‌المللی و منطقه‌ای آن کشور است.

همکاری‌های دوره پسا برجام

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به واقعیت‌های جهانی و تغییرات در سیاست خارجی ایران نشان‌دهنده یک نقطه عطف در تاریخ سیاست خارجی این کشور است. این برنامه پس از بیش از یک دهه اختلافات و مذاکرات در خصوص برنامه هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ (آلمان به عنوان کشور سوم) به اجرا درآمد و باعث پایان اختلافات و تعلیق بخشی از تحریم‌ها شد. (میر فخرایی، ۱۳۹۶: ۹).

برخی از دستاوردها و تأثیرات برجام بر روابط ایران و روسیه عبارتند از:

- ❖ تقویت روابط اقتصادی: تعلیق برخی از تحریم‌ها و اجازه به ایران برای بازگشت به بازارهای جهانی باعث تقویت روابط اقتصادی بین ایران و روسیه شد. همکاری در حوزه‌های انرژی، مختصات فضایی، تجارت و سایر زمینه‌ها نتیجه این فرآیند بوده است.
- ❖ تقویت همکاری هسته‌ای: برجام باعث تقویت همکاری هسته‌ای میان ایران و روسیه شد. روسیه نقش مهمی در اجرای برنامه هسته‌ای ایران داشته و همکاری در زمینه توانمندسازی نیروگاه‌های هسته‌ای ایران ادامه یافته است.
- ❖ میانجیگری در مذاکرات برجام: روسیه به عنوان یکی از اعضای گروه ۵+۱ در مذاکرات برجام نقش مهمی ایفا کرد. این میانجیگری نشان‌دهنده توانایی روسیه در تعامل با غرب و همکاری با ایران است.



❖ تعامل با غرب و کاهش تنش‌ها: برجام باعث کاهش تنش‌ها میان ایران و غرب، به ویژه با ایالات متحده، شد. این موضوع به نوعی برای روسیه فرصتی فراهم کرد تا نقش خود را به عنوان میانجی در تعاملات منطقه‌ای تقویت کند.

❖ حفظ استقلال ایران: برجام این امکان را فراهم کرد که ایران استقلال خود در برنامه‌های هسته‌ای حفظ کند و در عین حال با جامعه بین‌المللی همکاری کند. این مسئله نقشی در افزایش اعتماد به نفس ایران در تعاملات بین‌المللی ایفا کرد.

بنابراین، برجام نه تنها تأثیرات مثبتی بر روابط ایران و روسیه داشته است بلکه به عنوان یک نقطه عطف مهم در تاریخ سیاست خارجی ایران قابل تأکید است. (جمشیدی راد، ۱۳۹۸: ۲۱).

در دوره پسا برجام، همکاری میان ایران و روسیه در بسیاری از زمینه‌ها توسعه یافته و موجب دستاوردهای مهمی شده است:

◀ تحویل سامانه دفاع موشکی اس-۳۰۰ به ایران: پس از برجام و رفع تحریم‌ها، روسیه تصمیم به تحویل کامل سامانه دفاع هوایی موشکی اس-۳۰۰ به ایران گرفت. این تصمیم باعث تقویت قابلیت‌های دفاعی ایران شد و اهمیت همکاری نظامی میان دو کشور را نشان داد. (کرامتی نیا، ۱۳۹۵: ۱۶).

◀ تخصیص اعتبارات و وام چندمیلیاردی: در نشست‌های کمیسیون‌های بین دولتی، تخصیص وام‌های چند میلیاردی از سوی روسیه به ایران اعلام شد. این اقدام به تقویت همکاری‌های اقتصادی و مالی میان دو کشور کمک کرد.

◀ حمایت از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی: روسیه از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای حمایت کرده و در این راستا نقش فعالی داشته است. همچنین اتحادیه اقتصادی اوراسیایی نیز به عنوان یک سازمان اقتصادی با نقش روسیه به عنوان عضو اصلی، همکاری‌های ایران و روسیه را تقویت کرده است. (کرمی، ۱۳۹۵: ۱۷).

تقویت تعامل منطقه‌ای و حمایت از سوریه: تعامل نظامی میان ایران و روسیه در مسائل منطقه‌ای، به ویژه در حمایت از دولت سوریه در جنگ داخلی، به تقویت همکاری‌های دوجانبه این دو کشور انجامیده است. این همکاری نشان از هماهنگی در سیاست خارجی و نظامی میان ایران و روسیه دارد.

سفرهای مکرر مقامات دو کشور: سفرهای مکرر مقامات دو کشور به یکدیگر نشان از توجه و تمایل به توسعه روابط دوجانبه دارد. سفر ولادیمیر پوتین به ایران و دیدارهای مکرر مقامات دو کشور به توسعه همکاری‌ها کمک کرده است.

علاقه‌مندی شرکت‌های روسی در بازار ایران: با رفع تحریم‌ها، شرکت‌های روسی به دنبال حضور فعال در بازار ایران بوده و همکاری‌های در زمینه‌های نفت و گاز، هوافضا، انرژی هسته‌ای و سایر حوزه‌ها را جلب کرده‌اند. (کرامتی نیا، ۱۳۹۵: ۱۸).

همه این دستاوردها نشان از توسعه و تقویت روابط دوجانبه میان ایران و روسیه پس از برجام دارد و نقش هرچه بیشتر روسیه در تحقق اهداف ایران در حوزه‌های مختلف را تأکید می‌کند.

یافته‌های پژوهش

روسیه یکی از مهم‌ترین همکاران سیاست خارجی ایران است که همکاری‌های دوجانبه (سیاسی، امنیتی، اقتصادی)، همکاری‌های منطقه‌ای (خاورمیانه، دریای خزر، قفقاز) و هم‌کاری‌های بین‌المللی (مسئله هسته‌ای) با ایران داشته است. در واقع ایران با وجود ماهیت سیاست خارجی مستقل خود، به دلیل تنوع مسائل و اختلاف‌های ماهوی با غرب و در رأس آن با آمریکا و در شرایط بحران‌های غیرقابل‌پیش‌بینی در خاورمیانه، می‌کوشد تنها دوست خود در میان کشورهای قدرتمند جهان، یعنی روسیه را به رابطه سودمند دوجانبه بکشد. مهم‌ترین موضوع در رابطه تهران و مسکو، منافع مشترک جدی دو کشور در مقابله بانفوذ آمریکا در تمام مناطق پیرامون آسیای مرکزی و قفقاز تا خاورمیانه است. آنچه موجب شده از نظر تاکتیکی، مواضع ایران و روسیه در سوریه آن‌چنان وابسته باشند که بر اختلاف راهبردی دو کشور در مورد آینده سوریه فائق آیند. بیشتر رهیافت‌های روسیه در قبال ایران بر مبنای موفقیت و امکان‌پذیری آن سیاست و تطبیق



آن با منافع روسیه است و هرگاه اقتضا کند، مصالح ایران فدای منافع روسیه خواهد شد. با وجود این می‌توان با بررسی موقعیت و جایگاه ایران در عرصه بین‌الملل به این نتیجه رسید که ایران و روسیه در مسیر اتحاد استراتژیک قرار دارند. همه شاخص‌های که می‌تواند روسیه و ایران را به متحدان استراتژیک در نظام بین‌الملل تبدیل کند، وجود دارد. به نظر می‌رسد با توجه به افزایش پیچیدگی‌های تحولات بین‌المللی؛ همچنین تمایلات پوتین برای اتحاد استراتژیک روسیه با ایران، دو کشور بتوانند بر اختلاف و موانع موجود برای شراکت راهبردی فائق آیند.

رابطه ایران و روسیه وجوه دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد که در سطوح اخیر تابع شرایطی متحول و دخالت مؤلفه‌های گوناگون است که در بسیاری موارد در اختیار مستقیم تهران و مسکو نیستند؛ اما روابط دوجانبه دو کشور با اراده دوجانبه می‌تواند در هر شرایطی توسعه یابد. در اسناد سیاست خارجی روسیه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ توجه به جایگاه منطقه‌ای ایران، روندی متناسب با افزایش توجه روسیه به خاورمیانه را نشان داده است.

با وجود برخی منافع موازی و متفاوت ایران و روسیه در روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، رابطه با روسیه یکی از مهم‌ترین منابع سیاست خارجی ایران در هر سه سطح است. هرچند به نظر نمی‌رسد به دلیل شرایط بسیار متحول و دخالت مؤلفه‌های بسیار گوناگون در سطح روابط منطقه‌ای و بین‌المللی امکان ترسیم راهبرد برای تحکیم همکاری‌ها وجود داشته باشد، اما در سطح دوجانبه، توافق ۲۰۱۶-۲۰۲۰ برای توسعه همکاری تجاری، اقتصادی صنعتی، علمی و فنی میان ایران و روسیه را می‌توان راهبرد روابط تهران - مسکو دانست.

با وجود توافق هسته‌ای، روابط پرفرازونشیب غرب، روسیه و ایران، از موانع گسترش همکاری‌های ایران و روسیه است. اثر غرب این رابطه هم مستقیم و هم غیرمستقیم است. از سویی با وجود همه دشمنی‌ها، روسیه به رهبری پوتین نیز نشان داده خواستار روابط مسالمت‌آمیز و پرسود با غرب، به ویژه آمریکا است. این در حالی است که حکومت ایران معتقد است دشمنی آمریکا با ایران پایان‌ناپذیر است. بر این اساس با وجود تلاش ایران و روسیه برای بی‌اثر ساختن عامل آمریکا در رابطه دوجانبه، وقتی منافع تهران مسکو در موضوعی متفاوت می‌شود و مسئله غرب نیز مطرح

است، بدبینی و بی‌اعتمادی تاریخی بر روابط دو کشور سایه می‌افکند. روابط با امریکا و اروپا، از مؤلفه‌های تأثیرگذار در روابط ایران و روسیه است.

نتیجه‌گیری

روسیه یکی از مهم‌ترین همکاران سیاست خارجی ایران است و همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با ایران را در سطوح مختلف (سیاسی، امنیتی، اقتصادی) دارد. همچنین، همکاری در مسائل منطقه‌ای از جمله خاورمیانه، دریای خزر، قفقاز، و مسائل بین‌المللی مانند مسئله هسته‌ای نقش مهمی در تقویت این روابط ایفا کرده است. یکی از نکات مهم به دست آمده این است که در کنار مسائلی که از نظر تاکتیکی ممکن است اختلافات وجود داشته باشد (مثل مسائل سوریه)، روسیه و ایران در مقابله با نفوذ امریکا در مناطق گوناگون، از جمله آسیای مرکزی و قفقاز، به دنبال هماهنگی و همکاری استراتژیک هستند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که روسیه بر مبنای موفقیت و امکان‌پذیری سیاست خود، تلاش می‌کند منافع خود را با منافع ایران هماهنگ کرده و اگر اقتضا شود، مصالح ایران را فدای مصالح خود خواهد کرد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که ایران و روسیه در مسیر اتحاد استراتژیک قرار دارند و برخی از شاخص‌ها نشان دهنده تمایلات پوتین به سوی این اتحاد استراتژیک هستند.

اهمیت روابط ایران و روسیه در سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است و می‌تواند در هر شرایطی توسعه یابد. توافقات گذشته و توافقات جاری مانند توافق ۲۰۲۰-۲۰۱۶ نشانگر توجه به توسعه همکاری‌های تجاری، اقتصادی، صنعتی، علمی و فنی بین دو کشور است. هرچند که توافق هسته‌ای صورت گرفته است، اما روابط پیچیده‌ای با غرب و اثرات آن بر روابط ایران و روسیه وجود دارد. نقش مستقیم و غیرمستقیم غرب در این روابط، به‌ویژه در مواجهه با امریکا، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

در نهایت، روابط ایران و روسیه به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع سیاست خارجی ایران در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شده و با توجه به تغییرات جهانی و منطقه‌ای، احتمال توسعه این روابط در آینده وجود دارد.



منابع و مآخذ

- اسعدی، ب.، منوری، س. ع (۱۳۹۸). بررسی روابط روسیه و ایران در قرن جدید؛ اتحاد استراتژیک یا همسویی منافع. فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی (۴) ۶۱، صص ۲۱۰-۱۸۱.
- اصولی، ق، واکاوی روابط ایران و روسیه در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی: فرصت‌ها، چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط، روزنامه فارس، ۱۳۹۲/۰۶/۱۶.
- حسینی، س. م، ابوالحسینی، مریم (۱۳۹۵). جایگاه ایران در مکاتب فکری سیاست خارجی روسیه. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (۹۳)، صص ۱-۳۴.
- رشید، غ. ع، نظامی پور، ق.، علیپور، ع.، خادمی، م (۱۳۹۹). قدرت منطقه‌ای ایران و تأثیر آن بر همسو شدن سیاست خارجی روسیه. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، (۸۲)، صص ۳۸-۱۳.
- سازین، و. (۲۰۱۷). به مناسبت سفر حسن روحانی به مسکو، اسپوتنیک. قابل دسترس در سایت اسپوتنیک ایران.
- شاپنتوخ، د. (۱۳۹۴)، تصویر ایران از دید نخبگان روس، ترجمه خاوری نژاد، تهران: موسسه ایراس.
- صادقی، س. م. (۲۰۱۸). سیاست خارجی روسیه در قبال ایران در دوره پوتین بعد از سال ۲۰۱۲. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، (۴۱) ۱۱، صص ۸۹-۱۶۶.
- علویان، م. (۱۳۹۸). نوآورآسیاگرایی و سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران. فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، (۲)، صص ۴۳۴-۴۱۹.
- فرشاد گهر، ن.، قائمی، ی.، جمور، ل. (۱۳۹۶). واکاوی روابط روسیه و ایران با تأکید بر بحران سوریه. فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، شماره (۲).
- فولادیان، ف.، یوسفی، جویباری، م.، جمشیدی راد، ج. (۱۳۹۸). سیاست خارجی روسیه در قبال ایران (۲۰۱۲-۲۰۱۸). فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، (۳۱)، صص ۱۶۷-۲۱۸.

- کرمی، ج.، (۱۳۸۸). «روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه». چاپ اول. تهران، وزارت امور خارجه
- کرمی، ج.، کرامتی نیا، ر.، (۱۳۹۵). سیاست خارجی روسیه و پرونده هسته‌ای ایران، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، (۹۵)، پاییز.
- کرمی، ج.، (۱۳۸۴)، تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مسأله غرب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- کولایی، ا.، (۱۳۹۶). سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی. چاپ پنجم. تهران، سمت.
- کولایی، ا.، عابدی، ع.، (۱۳۹۶). فراز و فرود روابط ایران و روسیه (۲۰۱۶-۱۹۹۰). فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، (۴۰)، صص ۱۳۵-۱۶۴.
- مشیرزاده، ح.، تحول در نظریه‌های بین‌الملل، تهران: سمت، چاپ پانزدهم.
- میر فخرایی، س ح، رحیمی، ا.، سفیدی کاسین، آ.، (۱۳۹۶). چشم‌انداز پسا برجام روابط گازی ایران و روسیه در الگوی مشارکت راهبردی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، (۳۸)، صص ۱۵۵-۱۸۶.
- نوری، ع.ر.، (۱۳۸۹). «سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین اصول و روندها». چاپ اول. دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص).
- ونت، الکساندر (۱۳۸۵). تحول در نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران، سمت.

English References

- Donnelly, Jack (2000); Realism and International Relations (Themes in International Relations) ,Cambridge University Press
- Elias, Juanita, Sutch, Peter ,(2007) International Relations: The Basics, 1st Edition, London.
- Parker, John W. (2016). Russia, Iran: Strategic Partners or Competitors? Rice University's Bakers Institute for Public Policy, available at: www.bakerinstitute.org/research/russia-iran.

- Katz, Mark. (2017). Assessing the Putin-Rouhani Summit. March 29 available at: <https://lobelog.com/assessing-the-putin-rouhani>.

Translate References to English

- Asadi, B., Manouri, S. AD (1398). Examining the relations between Russia and Iran in the new century; Strategic alliance or alignment of interests. *Scientific Quarterly of Political and International Approaches* (4), pp. 61, 210-181.
- Asulli, Q, "Analysis of Iran-Russia relations at the regional and international levels: opportunities, challenges and mechanisms for the development of relations", *Fars newspaper*, 06/16/2013.
- Hosseini, S. M., Abolhosseini, M., (2015). Iran's place in Russian foreign policy schools of thought. *Central Asia and Caucasus Studies Quarterly*, (93), pp. 1-34.
- Rashid, G. A, Nizamipour, Q., Alipour, A., Khademi, M., (2019). Iran's regional power and its influence on Russia's foreign policy alignment. *Strategic Defense Studies Quarterly*, (82), pp. 13-38.
- Segin, V., (2017). On the occasion of Hassan Rouhani's visit to Moscow, *Sputnik*. Available on Iran's Sputnik website.
- Shlapantukh, D., (2014), "Iran's image from the eyes of Russian elites", translated by Khavorinejad, Tehran: Iras Institute.
- Sadeghi, S.M. (2018). Russia's foreign policy towards Iran in the Putin era after 2012. *International Relations Studies Quarterly*, (41) 11, pp. 166-89.
- Farshad Gohar, N, Ghaemi, Y, Jamour, L, (2016). Analyzing the relations between Russia and Iran with an emphasis on the Syrian crisis. *Quarterly Journal of Politics and International Relations*, No. (2).
- Fouladiyan, F, Yousefi, J. M, Jamshidi Rad, J. (2018). Russia's foreign policy towards Iran (2018-2012). *International Relations Research Quarterly*, (31), pp. 218-167.
- Karmi, J (2008). "Relations between the Islamic Republic of Iran and the Russian Federation". First Edition. Tehran, Ministry of Foreign Affairs.
- Karmi, J, Karamatinia, R. (2015). Russia's foreign policy and Iran's nuclear case, *Central Asia and Caucasus Quarterly*, (95), autumn.



- Karmi, J. (2004), "Russian Foreign Policy Developments: Government Identity and the Western Problem", Tehran: Political Studies Office of the Ministry of Foreign Affairs.
- Kolai, E. (2016). Politics and governance in Central Eurasia. Fifth Edition. Tehran, side.
- Kolayi, E, Abedi, A. (2016). Ups and downs of Iran-Russia relations (1990-2016). International Relations Studies Quarterly, (40), pp. 135-164.
- Moshirzadeh, H=, "Transformation in international theories", Tehran: Samit, 15th edition.
- Mir Fakhraei, S. H, Rahimi, O, Sefidi Kasin, A. (2016). The post-JCPOA perspective of gas relations between Iran and Russia in the model of strategic partnership, International Relations Studies Quarterly, (38), pp. 155-186.
- Russian foreign policy in the Putin period, principles and trends". First Edition. Faculty and Research Institute of the Great Prophet (PBUH).
- Went, A. (2015). Evolution in international relations theorizing, translation: Hamira Moshirzadeh, Tehran, Samt.

Russia's foreign policy towards Iran during the Putin era

Parisa Habibi Sorki¹

*Doctoral student of International Relations,
University of Research Sciences, Tehran, Iran*

Mohammad Baqer Mokarmipour

*University lecturer and doctoral student of political science/political studies
of the Islamic Revolution, Shahed University, Tehran, Iran*

Abstract

After the collapse of the Soviet Union, Russia is an actor in the ranks of regional powers and is moving towards a global power, which we have witnessed a change in its strategic priorities. After the collapse of the Soviet Union, the Islamic Republic of Iran has a distinct position in the discourse of Russian foreign policy. The relations between Iran and Russia, regardless of the necessity of geographical proximity, historical records and economic needs, due to the special position of each of the two countries in the field of international politics, have received special attention from international circles. Several factors such as the huge natural resources available in the two countries, manpower, regional influences, and the American and Western factors, which along with many other factors have made Moscow-Tehran relations take on special importance. During Putin's presidency, especially since 2012, Iran gained considerable importance in Russia's foreign policy, and its orientation shifted towards Russia's strategic partnership in the Middle East region. In the light of this approach, the extensive relations between Iran and Russia in the political, economic, military and security fields were promoted to the level of two strategic allies. Therefore, the current research was written with the descriptive-analytical method and the collection of information using the library-documentary method and also with the main purpose of examining "Russia's foreign policy towards Iran during Putin's era". The main question of the research is, what was Russia's foreign policy towards Iran during Putin's era? The results and findings of the research show that Russia's foreign policy during Putin's era is based on the common interests of the two countries and the two countries look at each other's position realistically in the circumstances, but despite the close and strategic relations that Iran and Russia have, relations With America and Europe, it is one of the influential components in the relations of these two countries.

Keywords: foreign policy, Russia, Islamic Republic of Iran, classical realism, nuclear program.

1- corresponding author

